

آیه ۱۹۶ - ۱۹۸

آیه و ترجمه

ان ولی الله الذی نزل الکتب و هو یتولی الصلحین ۱۹۶
و الذین تدعون من دونه لا یتطیعون نصرکم و لا انفسهم ینصرون ۱۹۷
و ان تدعوهم الی الهدی لا یسمعوا و ترثهم ینظرون الیک و هم لا یبصرون ۱۹۸
ترجمه :

۱۹۶ - (اما) ولی و سرپرست من خدائی است که این کتاب را نازل کرده است و او سرپرست همه صالحان است.

۱۹۷ - و کسانی را که شما جز او می خوانید نمی توانند یاریتان کنند و نه (حتی) خودشان را یاری دهند.

۱۹۸ - و اگر از آنها هدایت بخواهید سخنانتان را نمی شنوند و آنها رامی بینی (که با چشمهای مصنوعیشان) به تو نگاه می کنند اما در حقیقت نمی بینند!

تفسیر :

معبودهای بی ارزش:

در تعقیب آیه گذشته که به مشرکان می گفت شما و بتهایتان نمی توانید کوچک ترین زیانی به من برسانید، در نخستین آیه مورد بحث به دلیل آن اشاره

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۶۰

کرده، می گوید: «ولی و سرپرست و تکیه گاه من خدائی است که این کتاب آسمانی را بر من نازل کرده است» (ان ولیی الله الذی نزل الکتب).
نه تنها من، «او همه صالحان و شایستگان را حمایت و سرپرستی می کند و مشمول لطف و عنایتش قرار می دهد» (و هو یتولی الصالحین).
سپس بار دیگر به تاءکید روی دلائل بطلان بت پرستی پرداخته می گوید: «معبودهای را که غیر از خدا می خوانید کاری از آنها ساخته نیست، نمی توانند شما را یاری کنند و نه خودشان را» (و الذین تدعون من دونه لا یتطیعون نصرکم و لا انفسهم ینصرون).
و از این بالاتر اگر از آنها هدایت خویشان را در مشکلات بخواهید، آنها حتی

حرف شما را نمی‌شنوند! (و ان تدعوهم الى الهدى لا يسمعون) و حتی با چشمهای مصنوعیشان که دارند، گویا به تو نگاه می‌کنند، ولی در حقیقت نمی‌بینند (و تراهم ينظرون اليك و هم لا يبصرون). چنانکه سابقاً هم اشاره کردیم آیه اخیر ممکن است اشاره به بتها یا بت پرستان باشد، در صورت اول مفهومش همانست که گفته شد، و در صورت دوم تفسیرش چنین است: اگر شما مسلمانها این بت پرستان و مشرکان لجوج را به راه صحیح توحید دعوت نمائید از شما نمی‌پذیرند آنها با چشمهای خود به سوی تو می‌نگرند و نشانه‌های صدق و درستی را در تو مشاهده می‌کنند، اما واقعیتها را نمی‌بینند. مضمون دو آیه اخیر در آیات گذشته نیز آمده بود، و این تکرار به خاطرتاءکید هر چه بیشتر روی مسأله مبارزه با بت پرستی و ریشه کن کردن نفوذ آن در روح و فکر مشرکان از طریق تلقین مکرر است.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۶۱

آیه ۱۹۹ - ۲۰۳

آیه و ترجمه

خذ العفو و اءمر بالعرف و اءعرض عن الجهلین ۱۹۹
و اما ینزعنک من الشیطن نزع فاستعذ بالله انه سمیع علیم ۲۰۰
ان الذین اتقوا اذا مسهم طئف من الشیطن تذکروا فاذا هم مبصرون ۲۰۱
و اخونهم یمدونهم فی الغی ثم لا یقصرون ۲۰۲
و اذا لم تاتهم بایة قالوا لو لا اجتبیتهما قل انما اءتبع ما یوحی الی من ربی هذا
بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون ۲۰۳
ترجمه :

۱۹۹ - با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکیها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنها ستیزه مکن).
۲۰۰ - و هر گاه وسوسه‌های از شیطان به تو رسد به خدا پناه بر، که او شنونده و دانا است.
۲۰۱ - پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند به یاد(خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او راه حق را می‌بینند و) بینا می‌گردند.

۲۰۲ - (ولی ناپرهیزکاران) برادرانشان (یعنی شیاطین) آنان را پیوسته درگمراهی پیش می‌برند و باز نمی‌ایستند!.

۲۰۳ - و هنگامی که (در نزول وحی تاءخیر افتد و) آیه‌ای برای آنها نیاوری می‌گویند چرا خودت (از پیش خود) آنرا برنگزیدی بگو من تنها پیروی از چیزی می‌کنم که بر من وحی می‌شود این وسیله بینائی از طرف پروردگارتان و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند.

تفسیر :

وسوسه‌های شیطان:

در این آیات شرائط تبلیغ و رهبری و پیشوائی مردم به طرز بسیار جالب و فشرده

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۶۲

بیان شده و با آیات گذشته که اشاره به مساءله تبلیغ مشرکان داشت نیز تناسب دارد. در نخستین آیه مورد بحث اشاره به سه قسمت از وظائف رهبران و مبلغان - به صورت خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) - شده، در آغاز می‌گوید: در طرز رفتار با مردم سختگیر مباش و با آنها مدارا کن، عذرشان را بپذیر، و بیش از آنچه قدرت دارند از آنهامخواه (خذ العفو).

عفو گاهی به معنی مقدار اضافی چیزی آمده، و گاهی به معنی حد وسط و میانه، و گاه به معنی قبول عذر خطاکار و بخشیدن او، و گاه به معنی آسان گرفتن کارها.

قرائن آیات نشان می‌دهد که آیه فوق ارتباط با مسائل مالی و گرفتن مقدار اضافی از اموال مردم که بعضی از مفسران گفته‌اند ندارد، بلکه مفهوم مناسب، همان آسان گرفتن و گذشت و انتخاب حد وسط و میانه است. بدیهی است اگر رهبر و مبلغ، شخص سختگیری باشد به زودی جمعیت از اطراف او پراکنده می‌شوند، و نفوذ خود را در قلوب از دست خواهد داد، همانطور که قرآن مجید می‌گوید: و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك:

اگر سختگیر و بد اخلاق و سنگدل بودی به طور مسلم از گرد تو پراکنده می شدند.

سپس دومین دستور را به این صورت می دهد: مردم را به کارهای نیک و آنچه را عقل و خرد، شایسته می شناسد و خداوند آنرا نیک معرفی کرده، دستور ده (و امر بالعرف).

اشاره به اینکه ترک سختگیری مفهومی مجامله کاری نیست، بلکه باید

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۶۳

رهبران و مبلغان همه حقایق را بگویند و مردم را به سوی حق دعوت کنند و چیزی را فروگذار ننمایند.

در مرحله سوم دستور به تحمل و بردباری در برابر جاهلان داده می گوید: از جاهلان روی برگردان و با آنها ستیزه مکن (و اعرض عن الجاهلین).

رهبران و مبلغان در مسیر خود با افراد متعصب، لجوج، جاهل و بیخبر، و افرادی که سطح فکر و اخلاق آنها بسیار پائین است، روبرو می شوند، از آنها دشنام می شنوند، هدف تهمتشان قرار می گیرند، سنگ در راهشان می افکنند.

راه پیروزی بر این مشکل گلاویز شدن با جاهلان نیست، بلکه بهترین راه تحمل و حوصله، نادیده گرفتن و نشنیده گرفتن اینگونه کارها است، و تجربه نشان می دهد برای بیدار ساختن جاهلان و خاموش کردن آتش خشم و حسد و تعصبشان، این بهترین راه است.

در آیه بعد دستور دیگری می دهد که در حقیقت چهارمین وظیفه رهبران و مبلغان را تشکیل می دهد و آن اینکه بر سر راه آنها همواره وسوسه های شیطانی در شکل مقام، مال، شهوت و امثال اینها خودنمایی می کند، و شیطان و شیطان صفتان می کوشند آنها را از طریق این وسوسه ها از مسیرشان منحرف سازند و از هدفشان باز دارند.

قرآن دستور می دهد که اگر وسوسه های شیطانی، متوجه تو شد، به خدا پناه ببر، و خود را به او بسپار، و از لطفش مدد بخواه، زیرا او سخن تو را می شنود و از اسرار درونت آگاه و از وسوسه های شیاطین با خبر است (و اما ینزغ نک من الشیطان نزغ فاستعذ بالله انه سمیع علیم).

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۶۴

جامعترین آیه اخلاقی

از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده که در قرآن مجید، آیه‌ای جامع‌تر در مسائل اخلاقی از آیه فوق (آیه نخست) نیست.

بعضی از دانشمندان در تفسیر این حدیث، چنین گفته‌اند، که اصول فضائل اخلاقی بر طبق اصول قوای انسانی که عقل و غضب و شهوت است در سه قسمت خلاصه می‌شود.

فضائل عقلی که نامش حکمت است، و در جمله و امر بالمعرف (به‌نیکی‌ها و شایستگی‌ها دستور ده) خلاصه شده.

و فضائل نفسی در برابر طغیان و شهوت که نامش عفت است و در خذالعفو خلاصه گردیده.

و تسلط بر نفس در برابر قوه غضبیه که نامش شجاعت است، در اعرض عن الجاهلین منعکس گردیده است.

حدیث فوق را خواه به صورتی که مفسران گفته‌اند و در بالا اشاره شد تفسیر کنیم، و خواه به صورت شرائط رهبر که ما عنوان کردیم، تفسیر شود، این واقعیت را بیان می‌کند که جمله‌های کوتاه و فشرده آیه فوق متضمن یک برنامه جامع و وسیع و کلی در زمینه‌های اخلاقی و اجتماعی است، بطوری که می‌توان همه برنامه‌های مثبت و سازنده و فضائل انسانی را در آن پیدا کرد، و به گفته بعضی از مفسران، اعجاز قرآن در شکل فشرده‌گویی آمیخته با وسعت و عمق معنی، در آیه فوق کاملاً منعکس است.

توجه به این نکته نیز لازم است که مخاطب در آیه گرچه شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است ولی همه امت و تمامی رهبران و مبلغان را شامل می‌شود.

و نیز توجه به این نکته لازم است که در آیات فوق، هیچ مطلبی که مخالف

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۶۵

مقام عصمت بوده باشد وجود ندارد، زیرا پیامبران و معصومان هم در برابر وسوسه‌های شیطان باید خود را به خدا بسپارند و هیچکس از لطف و حمایت خدا در برابر وساوس شیاطین و نفس بی‌نیاز نیست، حتی معصومان.

در بعضی از روایات نقل شده هنگامی که نخستین آیه فوق نازل شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از جبرئیل درباره آن توضیح خواست (که چگونه با

مردم مدارا و ترک سختگیری کند) جبرئیل گفت نمی دانم باید از آنکه می داند سؤال کنم، سپس بار دیگر بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و گفت: یا محمد ان الله یامرک ان تعفوا عمن ظلمک و تعطی من حرمک و تصل من قطعک: ای محمد! خداوند به تو دستور می دهد از آنها که به تو ستم کرده اند (به هنگامی که قدرت پیدا کردی) انتقام نگیری و) گذشت نمائی، و به آنها که تو را محروم ساخته اند، عطا کنی، و به آنها که از تو بریده اند پیوند برقرار سازی.

و در حدیث دیگری نقل شده هنگامی که آیه نخست نازل شد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد در برابر جاهلان تحمل کند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه داشت پروردگارا با وجود خشم و غضب چگونه می توان تحمل کرد؟ آیه دوم نازل شد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد که چنین هنگامی خود را به خدا بسپارد. ذکر این نکته نیز مناسب است که عین آیه دوم مورد بحث در سوره فصلت آیه ۳۶ آمده است، تنها تفاوتی که دارد بجای انه سمیع علیم، انه هو السميع العليم می باشد.

در آیه بعد راه غلبه و پیروزی بر وسوسه های شیطان را، به این صورت بیان

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۶۶

می کند که: پرهیزکاران هنگامی که وسوسه های شیطانی، آنها را احاطه می کند به یاد خدا و نعمتهای بی پایانش، به یاد عواقب شوم گناه و مجازات دردناک خدا، می افتند، در این هنگام ابرهای تیره و تار وسوسه از اطراف قلب آنها کنار می رود و راه حق را به روشنی می بینند و انتخاب می کنند (ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون).

طائف به معنی طواف کننده است، گویا وسوسه های شیطانی همچون طواف کننده ای پیرامون فکر و روح انسان پیوسته گردش می کنند تا راهی برای نفوذ بیابند، اگر انسان در این هنگام به یاد خدا و عواقب شوم گناه بیفتد، آنها را از خود دور ساخته و رهائی می یابد و گر نه سرانجام در برابر این وسوسه ها تسلیم می گردد. اصولا هر کس در هر مرحله ای از ایمان و در هر سن و سال گهگاه گرفتار وسوسه های شیطانی می گردد، و گاه در خود احساس می کند که نیروی محرک شدیدی در درون جانش آشکار شده و او را به سوی گناه دعوت

می‌کند، این وسوسه‌ها و تحریکها، مسلمانان سنین جوانی بیشتر است، در محیطهای آلوده، همچون محیطهای امروز که خود مراکز فساد در آن فراوان و آزادی نه به معنی حقیقی بلکه به شکل ببند و باری همه جا را فرا گرفته و دستگاههای تبلیغاتی غالباً در خدمت شیطان و وسوسه‌های شیطانی هستند، فزونتر می‌باشد، تنها راه نجات از آلودگی در چنین شرائطی، نخست فراهم ساختن سرمایه تقوی است که در آیه مورد بحث به آن اشاره شده، و سپس مراقبت و سرانجام توجه به خویشتن و پناه بردن به خدا، یاد الطاف و نعمتهای او، و مجازاته‌های دردناک خطاکاران است. در روایات کراراً به اثر عمیق ذکر خدا در کنار زدن وسوسه‌های شیطان اشاره شده است. حتی افراد بسیار با ایمان و دانشمند و با شخصیت همیشه احساس خطر در

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۶۷

مقابل وسوسه‌های شیطانی می‌کردند، و از طریق مراقبت که در علم اخلاق بحث مشروحی دارد با آن می‌جنگیدند. اصولاً وسوسه‌های نفس و شیطان همانند می‌کربهای بیماریزا است، که در همه وجود دارند، ولی به دنبال بنیه‌های ضعیف و جسمهای ناتوان می‌گردند، تا در آنجا نفوذ کنند اما آنها که جسمی سالم و نیرومند و قوی دارند، این می‌کربها را از خود دفع می‌کنند. جمله اذاهم مبصرون (به هنگام یاد خدا چشمشان بینا می‌شود و حق را می‌بینند) اشاره به این حقیقت است که وسوسه‌های شیطانی پرده بر دید باطنی انسان می‌افکند، آنچنان که راه را از چاه و دوست را از دشمن و نیک را از بد نمی‌شناسد، ولی یاد خدا به انسان بینائی و روشنائی می‌بخشد، و قدرت شناخت واقعیتها به او می‌دهد، شناختی که نتیجه‌اش نجات از چنگال وسوسه‌ها است.

کوتاه سخن اینکه در آیه گذشته مشاهده کردیم که چگونه پرهیزکاران در پرتو ذکر خدا از چنگال وسوسه‌های شیطانی رهائی می‌یابند، و این در حالی است که گناهکاران آلوده، که برادران شیطانند در دام او گرفتارند، قرآن در آیه بعد در این باره چنین می‌گوید: برادرانشان - یعنی شیاطین آپیوسته آنها را در گمراهی پیش می‌برند، و از گمراه ساختن آنها باز نمی‌ایستند، بلکه بیرحمانه

حملات خود را به طور مداوم بر آنها ادامه می دهند (و اخوانهم یمدونهم فی الغی ثم لا یقصرون)

اخوان کنایه از شیاطین است و ضمیر هم به مشرکان و گنهکاران باز می گردد، چنانکه در آیه ۲۷ سوره اسراء می خوانیم ان المبذرين كانوا اخوان الشیاطین: تبذیر کنندگان برادران شیطانند! یمدونهم از ماده امداد به معنی کمک دادن و ادامه دادن و افزودن است

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۶۸

یعنی پیوسته آنها را به این راه می کشانند و پیش می روند. جمله لا یقصرون به معنی این است که شیاطین در گمراه ساختن آنها از هیچ چیز کوتاهی نمی کنند. سپس حال جمعی از مشرکان و گنهکاران دور از منطق را شرح می دهد و می گوید هنگامی که آیات قرآن را برای آنها بخوانی آنرا تکذیب می کنند و هنگامی که آیهای برای آنها نیاوری و در نزول وحی تاخیری افتد می گویند پس این آیات چه شد؟ چرا از پیش خود آنها را تنظیم نمی کنی؟ مگر همه اینها وحی آسمانی است؟ (و اذا لم تاتهم بایة قالوا لو لا اجتبیتهما). اما به آنها بگو من تنها از آنچه به سویم وحی می شود پیروی می کنم، و جز آنچه خدا نازل می کند، چیزی نمی گویم (قل انما اتبع ما یوحی الی من ربی). این قرآن و آیات نورانیش وسیله بیداری و بینائی از طرف پروردگار است، که به هر انسان آماده ای دید و روشنائی و نور می دهد (هذا بصائر من ربکم). و مایه هدایت و رحمت برای افراد با ایمان و آنها که در برابر حق تسلیمند می باشد (و هدی و رحمة لقوم یؤمنون). ضمناً از این آیه روشن می شود همه سخنان و کردار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از وحی آسمانی سرچشمه می گیرد و آنها که غیر از این می گویند، از قرآن بیگانه اند.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۶۹

آیه ۲۰۴ - ۲۰۶

آیه و ترجمه

و اذا قرئ القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون ۲۰۴

و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفه و دون الجهر من القول بالغدو والاصال و
لا تکن من الغفلین ۲۰۵

ان الذین عند ربک لا یتکبرون عن عبادته و یتسبحونه و له یتسجدون ۲۰۶
ترجمه :

۲۰۴ - هنگامی که قرآن خوانده شود گوش فرا دهید و خاموش باشید
تامشمول رحمت خدا شوید.

۲۰۵ - پروردگارت را در دل خود از روی تضرع و خوف و آهسته و
آرام، صبحگاهان و شامگاهان یاد کن! و از غافلان مباش!

۲۰۶ - آنها که (در مقام قرب) نزد پروردگار تواند هیچگاه از عبادتش تکبر
نمی‌ورزند و او را تسبیح می‌گویند و برایش سجده می‌کنند.

تفسیر :

به هنگام شنیدن تلاوت قرآن خاموش باشید

این سوره (سوره اعراف) با بیان عظمت قرآن آغاز شده، و با آیات مورد بحث که
آنهم از قرآن سخن می‌گویند، پایان می‌پذیرد، هر چند بعضی از مفسران برای
نزول نخستین آیه مورد بحث، شأن نزول‌هایی ذکر کرده‌اند از جمله اینکه ابن
عباس و جمع دیگری گفته‌اند، مسلمانان در آغاز کارگاهی در نماز صحبت
می‌کردند، و گاهی شخص تازه وارد، به هنگامی که نماز را شروع می‌کرد، از
دیگران سؤال می‌کرد، چند رکعت نماز خوانده‌اید؟ آنها هم جواب می‌دادند
فلان مقدار، آیه بالا نازل شد و آنها را از این کار نهی کرد. و نیز از زهری نقل
شده: هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تلاوت قرآن می‌کرد،
جوانی از انصار همراه او بلند قرآن می‌خواند، آیه نازل شد و از این

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۷۰

کار نهی کرد.

بهر صورت قرآن در آیه فوق دستور میدهد: هنگامی که قرآن تلاوت می‌شود، با
توجه گوش دهید و ساکت باشید، شاید مشمول رحمت خدا گردید (و اذا قرء
القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون).

انصتوا از ماده انصات به معنی سکوت تواءم با گوش فرا دادن است. در اینکه آیا
این سکوت و استماع به هنگام قرائت قرآن در تمام موارد است، یا منحصر به

وقت نماز و هنگام قرائت امام جماعت، و یا به هنگامی که امام در خطبه نماز جمعه تلاوت قرآن می‌کند، در میان مفسران گفتگو بسیار است، و احادیث مختلفی در کتب حدیث و تفسیر در این زمینه نقل شده است.

آنچه از ظاهر آیه استفاده می‌شود این است که این حکم، عمومی و همگانی است و مخصوص به حال معینی نیست، ولی روایات متعددی که از پیشوایان اسلام نقل شده به اضافه اجماع و اتفاق علماء بر عدم وجوب استماع در همه حال، دلیل بر این است که این حکم به صورت کلی یک حکم استحبابی است، یعنی شایسته و مستحب است که در هر کجا و در هر حال کسی قرآن را تلاوت کند، دگران به احترام قرآن سکوت کنند و گوش جان فرا دهند و پیام خدا را بشنوند و در زندگی خود از آن الهام گیرند، زیرا قرآن تنها کتاب قرائت نیست، بلکه کتاب فهم و درک و سپس عمل است، این حکم مستحب به قدری تأکید دارد که در بعضی از روایات از آن تعبیر به واجب شده است.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم که فرمود: *يجب الانصات للقرآن فی الصلوة و فی غیرها و اذا قرء عندک القرآن وجب علیک الانصات و الاستماع.*

بر تو واجب است که در نماز و غیر نماز در برابر شنیدن قرآن سکوت و استماع کنی و هنگامی که نزد تو قرآن خوانده شود، لازم است سکوت کردن

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۷۱

و گوش فرا دادن

حتی از بعضی از روایات استفاده می‌شود که اگر امام جماعت مشغول قرائت باشد فرد دیگری، آیهای از قرآن تلاوت کند، مستحب است سکوت کند تا او آیه را پایان دهد، سپس امام قرائت را تکمیل کند، چنانکه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که علی (علیه السلام) در نماز صبح بود و ابن کوا (همان مرد منافق تیره دل) در پشت سر امام (علیه السلام) مشغول نماز بود، ناگاه در نماز این آیه را تلاوت کرد و *لقد اوحی الیک و الی الذین من قبلک لئن اشرکت لیحبطن عملک و لتکونن من الخاسرین* (و هدفش از خواندن آیه این بود که به طور کنایه به علی (علیه السلام) احتمالا در مورد قبول حکمیت در میدان صفین اعتراض کند) اما با این حال امام (علیه السلام) برای احترام قرآن سکوت کرد تا وی آیه را به پایان رسانید، سپس امام (علیه السلام) به ادامه

قرائت نماز بازگشت، و ابن کوا کار خود را دو مرتبه تکرار کرد، باز امام (علیه السلام) سکوت کرد و ابن کوا برای سومین بار آیه را تکرار نمود، و علی (علیه السلام) مجدداً به احترام قرآن سکوت کرد، سپس حضرت ابن آیه را تلاوت فرمود فاصبر ان وعد الله حق و لا يستخفنک الذین لا يؤمنون (اشاره به اینکه مجازات دردناک الهی در انتظار منافقان و افراد بی ایمان است و در برابر آنها باید تحمل و حوصله به خرج داد) سرانجام امام سوره را تمام کرده و به رکوع رفت.

از مجموع این بحث روشن می شود که استماع و سکوت به هنگام شنیدن آیات قرآن کار بسیار شایسته‌ای است ولی به طور کلی واجب نیست، و شاید علاوه بر اجماع و روایات جمله لعلکم ترحمون (شاید مشمول رحمت خدا بشوید) نیز اشاره به مستحب بودن این حکم باشد.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۷۲

تنها موردی که این حکم الهی شکل وجوب به خود می گیرد موقع نماز جماعت است که ماموم به هنگام شنیدن قرائت امام باید سکوت کند و گوش فرا دهد، حتی جمعی از فقها این آیه را دلیل بر سقوط قرائت حمد و سوره از ماموم دانسته‌اند.

از جمله روایاتی که دلالت بر این حکم دارد حدیثی است که از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

و اذا قرء القرآن فی الفریضة خلف الامام فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون: هنگامی که قرآن در نماز فریضه و پشت سر امام خوانده می شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید شاید مشمول رحمت الهی شوید.

و امام در مورد کلمه لعل (شاید) که در این گونه موارد به کار میرود، سابقاً هم اشاره کرده‌ایم که منظور این است برای اینکه مشمول رحمت خدا شوید، تنها سکوت و گوش فرا دادن کافی نیست، شرائط دیگری از جمله عمل به آن دارد. ذکر این نکته نیز به مورد است که فقیه معروف فاضل مقداد در کتاب کنزالعرفان تفسیر دیگری برای آیه ذکر کرده است و آن اینکه، مراد از آن شنیدن آیات قرآن و درک مفاهیم آن و پی بردن به معجزه بودنش می باشد. ذکر این تفسیر شاید به خاطر آن است که در آیه قبل، گفتگو از مشرکان بود که آنها درباره نزول قرآن بهانه‌جویی می کردند، قرآن به آنها

می‌گوید: خاموش شوید و گوش فرا دهید تا حقیقت را دریابید.
هیچ مانعی ندارد که مفهوم آیه فوقرا آنچنان وسیع بدانیم که مسلمان و کافر
همه را در بر گیرد، غیر مسلمان باید بشنوند و سکوت کنند و در آن

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۷۳

بیندیشند تا ایمان بیاورند و مشمول رحمت خدا شوند، مسلمانان هم باید
گوش فرا دهند و مفاهیم آنرا دریابند و به آن عمل کنند، تا رحمت خدا آنها را
نیز فرا گیرد، زیرا قرآن کتاب ایمان و علم و عمل است برای همگان نه برای
یک گروه معین.
سپس در آیه بعد برای تکمیل دستور فوق به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)
دستور میدهد (و البته یک حکم عمومی است اگر چه روی سخن در آن به
پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شده همانند بسیاری دیگر از تعبیرات قرآن)
که پروردگارت را در دل خود از روی تضرع و خوف یاد کن (و اذکر ربک فی
نفسک تضرعا و خیفه)
سپس اضافه می‌کند: و آهسته و آرام نام او را بر زبان بیاور (و دون الجهر من
القول)
و این کار را همواره صبحگاهان و شامگاهان تکرار کن (بالغدو و الاصال) اصل
جمع اصیل به معنی نزدیک غروب و شامگاه است.
و هرگز از غافلان و بیخبران از یاد خدا مباش (و لا تکن من الغافلین)
یاد خدا در همه حال و در هر روز و در صبحگاهان و شامگان مایه بیداری دلها و
کنار رفتن ابرهای تاریک غفلت از دل آدمی است، یاد خدا همچون باران بهاری
است که چون بر دل ببارد گلهای بیداری، توجه، احساس مسئولیت،
روشنبینی و هر گونه عمل مثبت و سازندهای رامیرویند.
سپس با این سخن سوره را پایان میدهد که نه تنها شما باید در همه حال به

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۷۴

یاد خدا باشید، فرشتگان مقرب پروردگار و آنها که در مقام قرب،
نزد پروردگار تواند هیچگاه از عبادت او تکبر نمیورزند، و همواره تسبیح
اومی گویند و ذات پاکش را از آنچه شایسته مقام او نیست منزه می‌شمارند
و در پیشگاه او سجده مینمایند (ان الذین عند ربک لا يستکبرون عن عبادته و

یسبحونه و له یسجدون).

کلمه عند ربک (آنها که نزد پروردگار تواند) به معنی قرب مکانی نیست، زیرا خداوند مکانی ندارد، بلکه اشاره به قرب مقامی است، یعنی آنها با آن همه موقعیت و مقام باز در بندگی و یاد خدا و سجده و تسبیح کوتاهی ندارند، شما هم باید کوتاهی نکنید.

به هنگام تلاوت آیه فوق، سجده کردن مستحب است، ولی بعضی از اهل تسنن مانند پیروان ابو حنیفه آنرا واجب می‌شمردند.

بار الها قلب ما را به نور یاد خودت روشن فرما همان روشنائی که در پرتو آن را خویش را به سوی حقیقت بگشائیم و از آن در بیادداشتن پرچم حق و پیکار با ظالمان و ستمگران و درک مسئولیتها و انجام رسالتها مددگیریم.
(پایان سوره اعراف)

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۷۵

سوره انفال

مقدمه

از سوره‌های مدنی است و دارای ۷۵ آیه است

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۷۷

دور نما و فشرده مباحث این سوره

در هفتاد و پنج آیهای که در سوره انفال وجود دارد مباحث بسیار مهمی مطرح شده است:

نخست اشاره به بخش مهمی از مسائل مالی اسلام از جمله انفال و غنائم که پشتوانه مهمی برای بیت المال محسوب می‌گردد، شده است.
سپس مباحث دیگری مانند:

صفات و امتیازات مؤمنان واقعی، و داستان جنگ بدر، یعنی نخستین برخورد مسلحانه مسلمانان با دشمنان، و حوادث عجیب و عبرت‌انگیزی که در این جنگ واقع شد.

قسمت قابل ملاحظه‌های از احکام جهاد و وظائف مسلمانان در برابر حملات پیگیر دشمن.

جریان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و داستان آن شب تاریخی هجرت

(ليلة المبيت).

وضع مشرکان و خرافات آنها قبل از اسلام.
چگونگی ضعف و ناتوانی مسلمانان در آغاز کار و سپس تقویت آنها در پرتو اسلام.

حکم خمس و چگونگی تقسیم آن.
لزوم آمادگی رزمی و سیاسی و اجتماعی برای جهاد در هر زمان و مکان.
برتری نیروهای معنوی مسلمانان بر دشمن علی رغم کمبود ظاهری نفرات آنها.

حکم اسیران جنگی و طرز رفتار با آنها.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۷۸

هجرت کنندگان و آنها که هجرت نکرده‌اند.
مبارزه و درگیری با منافقان و راه شناخت آنها و بالاخره یک سلسله مسائل اخلاقی و اجتماعی سازنده دیگر.
به همین دلیل جای تعجب نیست که در پارهای از روایات که در فضیلت تلاوت این سوره وارد شده، مانند روایتی که از امام صادق (علیه السلام) به ما رسیده می‌خوانیم که فرمود:
من قرء الانفال و براءة فی کل شهر لم یدخله نفاق ابدا و کان من شیعة امیر المؤمنین (علیه السلام) حقا و یا کل یوم القیامة من موائد الجنة معهم حتی یفرغ الناس من الحساب.
کسی که سوره انفال و براءة را در هر ماه بخواند، هرگز روح نفاق در وجود او وارد نخواهد شد و از پیروان حقیقی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) خواهد بود و در روز رستاخیز از مائدههای بهشتی با آنها بهره می‌گیرد، تا مردم از حساب خویش فارغ شوند.
زیرا همانطور که سابقا هم اشاره شد فضائل سورههای قرآن و پاداشهای بزرگی که به تلاوت کنندگان وعده داده شده تنها در پرتو خواندن الفاظ آن به دست نمی‌آید بلکه خواندن مقدمهای است برای اندیشه، و اندیشه وسیله‌ای است برای فهم، و فهم مقدمهای است برای عمل، و از آنجا که در سوره انفال و براءة صفات منافقان و همچنین مؤمنان راستین تشریح شده آنها که آن را بخوانند و در زندگی خود پیاده کنند هیچگاه

گرفتار روح نفاق نخواهند شد و همچنین از آنجا که در این دو سوره به صفات مجاهدان راستین و گوشه‌های از فداکاریهای سرور مجاهدان علی (علیه السلام) اشاره شده آنها که محتویات این دو سوره را درک و اجرا نمایند از شیعیان راستین امیر مؤمنان (علیه السلام) خواهند بود.

بعد ←

↑ فترت

→ قبل